

## عنوان مقاله:

قاسم هاشمینژاد و تلقی او از قصه های عرفانی

## محل انتشار:

ششمین همایش بین المللی زبان و ادبیات فارسی (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

## نویسنده:

مجتبی هوشیارمحبوب

## خلاصه مقاله:

قاسم هاشمینژاد، شاعر، نویسنده و عرفان پژوه معاصر از نویسندگانیست که در طول سالها فعالیتش، به واسطه ی آثار منتشر شده اش نشان داده است یکی از مهمترین دغدغه هایش توضیح و تبیین قصه های عرفانی بوده است. او با نوشتن آثار پژوهشی در این زمینه و همینطور نوشتن آثار داستانی، در تقلا ی بازنمایی قصه های عرفانی در روزگار اکنون بوده است. مهمترین کتاب او در این قلمرو پژوهشی، کتاب رساله: در تعریف، تبیین و طبقه بندی بوده است. اوسعی کرده است در این کتاب دریافت روشنی از عرفان ارائه دهد و در این راه از آبشخورهای عرفان و آرای مختلف عرفان پژوهان بهره برده است. هاشمی نژاد در این کتاب از کل یکپارچه و ساختار وحدانی قصه های عرفانی سخن میگوید و ضمن توضیح این نکته توضیح میدهد که قصه های عرفانی چگونه قصه هایی هستند. در این مقاله ضمن گزارشی از تلاشهای هاشمینژاد و تبیین پژوهش او، به بازتاب تلقی عرفانی او در داستان خیرالنسا پرداخته ایم و این مسئله را به واسطه مسائلی از جمله، زبان، ساختار وحدانی و خصایص محوریای نظیر ساده دلی، دیدن وقناعت پیشگی به روش توصیفی واکاوی کرده ایم.

## کلمات کلیدی:

قاسم هاشمی نژاد، قصه ی عرفانی، خیرالنسا، ساختار وحدانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1645058>

